آینه

اعتماد

منتقدانی که حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن شدند

● راهپیمایی روز گذشته با حاشیه‌هایی هم همراه بود؛ حاشیه‌هایی که بیشتر حول انتقاد از دولت یا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای می‌گشت و منتقدان این روز را غنیمت شمرده بودند... . سازمان بسیج شهرداری تهران روز گذشته با تولید انبوه پلاکاردهای مزین به عکس امام و رهبری که زیر آن نوشته شده بود: «توافقات ننگین مایه ذلت ماست»، نگرانی دلواپسان را در سطح وسیع به‌عنوان نگرانی و دغدغه نظام مطرح کرد.

در نخستین ساعات آغاز حرکت مردم برای پیوستن به صفوف تظاهرات‌کنندگان مقابل دانشگاه صنعتی شریف در خیابان آزادی، اعلامیه‌ای علیه مذاکرات هسته‌ای پخش شد که در پایان آن آدرس اینترنتی تشکل یک دانشگاه مشخص درج شده بود. این بروشور و پخش گسترده آن در بزرگ‌ترین مراسم وحدت ملی در حالی پخش شد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران در آخرین بیانات خود، از روند مذاکرات و عملکرد تیم مذاکره‌کننده حمایت کردند.

گروهی دیگر هنگام آغاز سخنرانی رییس‌جمهوری در میدان آزادی درصدد ادامه شعارهای انحرافی خود به بهانه مذاکرات هسته‌ای بودند که با واکنش حاضران مجبور به سکوت و خروج از مقابل جایگاه شدند. تظاهرات‌کنندگان در مقابل این عده شعار می‌دادند «حامیان دولتیم - فداییان رهبریم» و «پیروی از خط امام - اطاعت از رهبری- حمایت از روحانی.»

یکی از اعضای جریان انحرافی که سابقه بازداشت نیز دارد در جریان راهپیمایی ۲۲بهمن از کسانی که شعارهایی علیه دولت و دیپلماسی هسته‌ای می‌دادند با صدای بلند و چندبار تکرار حمایت کرد. مقام فرهنگی دولت دهم هنگامی که رییس‌جمهوری در جمع راهپیمایان ۲۲بهمن حضور یافت از یک‌گروه چندنفره خواستار شعاردادن علیه دولت شد و در پایان نیز از آنان با شعار «درود بر شما و...» قدردانی کرد.

از سوی دیگر، گروه کوچکی (۱۲نفره) که چنین دیده می‌شد با برنامه‌ریزی قبلی در تقاطع قریب - انقلاب حضور یافته بودند، هنگام پیوستن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به جمع راهپیمایان، شعارهای انحرافی سردادند که با واکنش فوری حاضران مجبور به ترک محل شدند. راهپیمایان شاهد اقدام این گروه با سردادن شعار«۲۲ بهمن روز افتخار ملی، وحدت اصل همیشگی» و «مرگ بر منافق» در اطراف آیت‌الله هاشمی حلقه محافظتی زدند و رییس مجمع‌تشخیص‌مصلحت‌نظام بدون توجه به شعار این افراد، مسیر راهپیمایی را ادامه داد.

مردم با دیدن وزیر امور خارجه در مسیر راهپیمایی نیز با شعارهای حمایت و تشکر از تلاش ظریف و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای قدردانی کردند.

کیهان

این هم رفراندوم

● یادداشت روز، حسین شریعتمداری: «برتولت برشت» می‌گفت «می‌توان برای یک‌بار به همه دروغ گفت و می‌شود برای همیشه به یک‌نفر دروغ گفت، اما نمی‌شود برای همیشه به همه دروغ گفت.» اشاره برتولت برشت به این واقعیت در شرایط خاص دوران حیات وی (۱۸۹۸ تا ۱۹۵۶) یعنی نزدیک به ۶۰سال قبل بوده است که هنوز «عصر انفجار اطلاعات» آغاز نشده بود و جاده اطلاع‌رسانی به قول نظریه‌پردازان موسوم به «اصحاب فرانکفورت» جاده یک‌طرفه و تحت مدیریت غرب بود. امروز اما هیچ رخدادی در هیچ‌نقطه از نگاه دیگران مخفی نمی‌ماند و یا دستکم این که نمی‌تواند مانند گذشته، برای مدتی طولانی پنهان بماند... . مردم با حضور حماسی و چندده‌میلیونی خود در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی آرزوهای بارهااعلام‌شده آمریکا و متحدانش را به قول حضرت‌امام(ره)، زیر گام‌های استوار خود لگدمال کردند و با شعارهایی نظیر «ما انقلابی هستیم»، «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، «نه تحریم نه ذلت، مذاکره با عزت»، «نرمش کافی است، قهرمانی کنید» و خروش سراسری «مرگ‌بر آمریکا» بر ایستادگی خود در مقابل زورگویی‌ها و باج‌خواهی‌های نظام سلطه جهانی تاکید ورزیدند و در عمل نشان دادند حق با رهبر معظم‌انقلاب است که «دست‌های ملت بسته نیست و آن طرفی که گیر افتاده، آمریکاست»... وده‌های چندده‌میلیونی مردم در حماسه حضور دیروز، دیدگاه و نظر خود را درباره چالش هسته‌ای و مذاکرات پیش‌روی به‌وضوح و بدون کمترین ابهامی بیان داشتند و رفراندوم موردنظر رییس‌جمهور محترم با شفافیت و صراحتی مثال‌زدنی و ماندگار صورت پذیرفت. نتیجه این رفراندوم آن‌که؛ حاضر نیستند امتیاز نقد بدهند و وعده‌های «نسیه» تحویل بگیرند. راه‌کار گشایش اقتصادی را در مراجعه به ظرفیت‌های داخلی - اقتصاد مقاومتی - می‌دانند و نه در چالش هسته‌ای، اگرچه با شعار «نه تحریم، نه‌ذلت، مذاکره با عزت» از مذاکره به شرط حفظ عزت نظام رویگردان نیستند ولی معتقدند در فرمول حکیمانه «نرمش قهرمانانه»، سهم «نرمش» به اندازه کافی- و شاید هم بیشتر - ادا شده است و اکنون نوبت به «قهرمانی» رسیده است. و اینکه، در مذاکرات هسته‌ای پیش‌روی از تیم مذاکره‌کننده که آنان را فرزندان انقلاب می‌دانند انتظار صلابت دارند و...

صفایی فراهانی در گفت‌وگو با «شرق» از راهکار مبارزه با فساد می‌گوید:

باید دنبال سرشاخه‌ها بود

مرجان توحیدی

عکس: نوفه رستمی، شرق

می‌گوید: «اگر امروز اینقدر راحت درباره فساد صحبت می‌کنم، فقط به‌خاطر این است که خیالم راحت است چرا که خودم اصلا دنبال فساد نمی‌روم.» با محسن صفایی‌فراهانی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در اتاقی به گفت‌وگو نشستیم که به نظر می‌آمد بخشی از منزل شخصی‌اش باشد. اما حالا به دفتر کاری او و محلی برای ملاقات‌هایش تبدیل شده است؛ اتاق کوچکی که کتاب، حجم زیادی از آن را اشغال کرده است. دفتر کوچکی هم روی میز او قرار داشت که گویا برای تنظیم یادداشت‌ها و قرارها مورد استفاده قرار می‌گرفت. «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» و «مشروطه ایرانی» دو جلد کتابی بود که او مشغول خواندن همزمان آنها بود و ضمن خط‌کشیدن زیر نکات مهم کتاب، نظرات خود را هم در حاشیه هر صفحه می‌نوشت. می‌گوید همین اتاق برای او کافی است، چه فرقی می‌کند، در این اتاق باشد یا در دفتری ۵۰۰متری. صفایی‌فراهانی معتقد است که فساد در ایران، ساختاری است و نه فردی. معتقد است: «نباید دنبال نفرات باشیم. اگر با افراد مبارزه کنیم، نفر بعدی جایش را می‌گیرد. سیستم را باید اصلاح کرد. بهانه گفت‌وگویمان درباره ریشه‌های فساد در کشور، موضوع محمدرضا رحیمی، معاون‌اول دولت دهم بود. او درباره این پرونده می‌گوید: «ایشان در موقعیت و مقام رییس دیوان محاسبات، آیا عضو هیات‌رییسه مجلس بوده؟ آیا یک‌مقام سیاسی برجسته پارلمان بوده که بخواهد در شکل پارلمان یعنی در ایجاد یک‌فراکسیون قوی در پارلمان نقش داشته باشد؟ یا نبوده؟ اگر نبوده پس ایشان اصلا برای چه منابعی را - ولو با فساد - تهیه کرده و به‌دنبال این بوده است که مثلا یک تشکیلات قوی در پارلمان شکل بگیرد؟ آن‌هم از طریق ناسالم. بنابراین ایشان تنها نبوده، پس کسانی که با ایشان هماهنگ و دنبال ایجاد گروهی قوی برای خودشان در مجلس بودند، آنها امروز کجا هستند؟ آنها چرا مطرح نمی‌شوند؟ چرا فقط به مساله گرفتن مقداری پول و توزیعش بین تعدادی نفرات توجه می‌کنند؟ همه دنبال اسامی گیرندگان پول هستند! هیچ‌کس دنبال سرشاخه‌ها نیست!»

◣ آقای فراهانی! بحث فساد در ایران فردی است یا به ساختار مربوط می‌شود؟ یعنی این ساختار است که باعث می‌شود افراد تخلف انجام داده و مفسد شوند؟

ریشه فساد در ایران به هیچ‌وجه فردی نیست، بلکه به سیستم اقتصادی مربوط است. سیستم اقتصادی به دودلیل فساد را در ایران نهادینه کرده است؛ اولین دلیل آن، اقتصاد گسترده دولتی است. تقریبا بیش از ۸۵درصد اقتصاد ایران یا در اختیار قوه‌مجریه یا در اختیار نهادهای وابسته به دولت به معنای عام است. بنابراین در چنین فضایی به دلیل عدم وجود رقابت سالم بین ساختارها و نهادهای اقتصادی، خودبه‌خود فساد در کل سیستم ایجاد می‌شود. در حقیقت این عامل اصلی است. دلیل دوم این است که به دلیل وجود چنین تشکیلات گسترده‌ای که اقتصاد دولتی عامل به‌وجودآورنده آن است، جلو رشد طبقه متوسط گرفته می‌شود. بنابراین به دلیل اینکه طبقه متوسط رشد نمی‌کند، امکان شکل‌گیری نهادهای اقتصادی-سیاسی در جامعه وجود ندارد. به همین دلیل در چنین فضایی کسانی که به منابع قدرت نزدیک‌تر هستند، می‌توانند زودتر فاسد شده و نام این افراد زودتر مطرح شود. اما نباید تصور شود فساد تنها به همین نام‌ها محدود می‌شود. در حقیقت دایره فساد، گسترده‌تر از نام‌هایی است که مطرح می‌شود. دلیل آن هم، شکل اقتصاد در ایران است و حجم منابعی که در اختیار این ارگان‌های دولتی و شبه دولتی قرار می‌گیرد.

بزرگ‌ترین تولیدکننده منابع ارزی، همچنین بزرگ‌ترین کارفرما (اگرچه الان وضع دولت از این جهت خوب نیست) علاوه بر این بزرگ‌ترین تولیدکننده و خریدار، همواره دولت بوده است. وقتی دولت به‌تنهایی در همه فعالیت‌های اقتصادی عنوان بزرگ‌ترین را داشته باشد، بنابراین عواملی که درون دولت قرار دارند، در معرض ابتلا به فساد هستند. در این میان، شدت و ضعف این فسادها یا ارتباط آن با جریان‌های سیاسی است که باعث می‌شود هرازگاهی یکی از این فسادهای محدود برملا شود و آن‌دسته هم که برملا نمی‌شود، در حقیقت به‌نوعی قسر درمی‌روند.

بنابراین این‌طور نیست که تصور شود عوامل فساد تنها یکی، دونفر هستند که مشکل و فساد ایجاد می‌کنند. تا زمانی که اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی اداره می‌شود، این مشکل وجود دارد؛ به‌خصوص از زمانی که حجم اقتصاد شبه‌دولتی رونق گرفت. به طوری که در طول ۱۰سال گذشته نزدیک به بیش از ۵۰درصد تولید ناخالص ملی ایران در اختیار بخش شبه‌دولتی قرار گرفته است.

◣ شما هم به اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی اشاره کردید و هم به طبقه متوسطی که رشد نداشته است. عده‌ای معتقدند اتفاقا طبقه متوسطی که از حداقل رفاه برخوردار است، در ایران رشد قابل‌توجهی داشته و به خاطر همین رفاه حداقلی در قبال خیلی از مواردی که اتفاق می‌افتد، تقریبا حالت خنثی دارند. شما مخالف این موضوع هستید؟ بعد به بحث اقتصاد بازمی‌گردیم.

من نمی‌دانم چه کسانی این طبقه‌بندی را تعریف می‌کنند. منظور از طبقه متوسط، طبقه متوسط اقتصادی است. طبقه متوسط اقتصادی؛ یعنی کسانی که در محیط کسب‌وکار امکان رشد و فعالیت اقتصادی و سهم قابل‌توجهی در اقتصاد داشته باشند. در اقتصاد ایران هیچ‌گاه طبقه متوسط شکل نگرفته که حالا بخواهد سهم قابل‌توجهی را هم داشته باشد. هرگاه که این طبقه شکل بگیرد؛ یعنی طبقه متوسط در جامعه‌ای حضور جدی داشته باشد، به دنبال آن انجمن‌ها و نهادهای صنفی واقعی ایجاد می‌شود. در نتیجه چنین اقدامی، آن نهادها به‌تدریج به دنبال این موضوع می‌خواهند که حضور خودشان را در سیستم‌های تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری نهادینه کنند. در چنین شرایطی است که به تدریج فرصت برای حضور این نهادها در سیستم قانونگذاری و مجلس فراهم می‌شود. این در حالی است که در همین دوره مجلس شورای اسلامی یا ادوار قبلی آن، هیچ‌گاه نمایندگان مردم از طریق این نهادها و تشکل‌ها وارد نهاد قانونگذاری نشدند تا بتوانند حقوق نهادهای صنفی، صنعتی و بازرگانی و در یک کلام محیط کسب و کار را پیگیری کنند. بنابراین شاید مقصود کسانی که معتقدند طبقه متوسط رشد کرده، منظورشان طبقه نورسیده باشد. آن طبقه متوسط با این طبقه نورسیده متفاوت است.

◣ مقصود شما از طبقه نورسیده چیست؟

طبقه نورسیده طبقه‌ای است که با بهره‌مندی از توانایی اقتصادی خود رشد نکرده است. این طبقه با استفاده از امکانات رانت یا شبه‌رانت توانسته‌اند به ثروت دست پیدا کنند. بنابراین بدیهی است این طبقه سراغ این می‌روند که جامعه را بیشتر به‌هم بریزند و امکان هرگونه نظم و انضباط مالی و کنترل را از بین ببرند و اجازه امکان تشکیل و رشد طبقه متوسط را ندهد. این در حالی است که اگر طبقه متوسط شکل بگیرد و در راستای آن انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های اقتصادی شکل بگیرند، عملا فضا به سمتی می‌رود که این سازمان‌ها بتوانند با یکدیگر رقابت سالم داشته باشند!! در چنین شرایطی است که رقابت سالم تاثیر خود را در سایر ارکان جامعه هم می‌گذارد. این چالش‌ها و در نتیجه چنین عملکردی به قانونگرایی و حاکمیت قانون منتهی می‌شود. بنابراین در چنین شرایطی دیگر فساد نمی‌تواند خیلی جایی داشته باشد. دقت کنید! نمی‌گویم در آن شرایط دیگر فساد اصلا وجود نخواهد داشت، درصد و حجم فساد نسبت به تولید ناخالص ملی همیشه نشان‌دهنده میزان فساد در یک جامعه است. در شرایط حاضر بین ۱۶۰کشور از نظر فساد اداری رتبه ایران بالای۱۴۰ است! معنی این است که آن یکی از پرفسادترین کشورهای دنیاست.

◣ با توجه به اینکه اقتصاد ایران همواره به شکل دولتی اداره و تقریبا به یک عامل ثابت تبدیل شده است، فکر می‌کنید سهم طبقه نورسیده در ایجاد این فساد چقدر و سهم اقتصاد دولتی چه میزان است؟ این روند را به‌ویژه در هشت‌سال گذشته چگونه بررسی می‌کنید. چرا ما در دولت‌های گذشته با این حجم از فساد روبه‌رو نبودیم؛ آن‌هم با در نظرگرفتن عامل ثابت اقتصاد دولتی.

اصل فساد مربوط به اقتصاد دولتی است. ولی بدیهی است که سهم رانت‌خواران چندده برابر عوامل دولتی است. اینکه شما مثال می‌زنید که ما قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، با این شرایط روبه‌رو بودیم، درست است، اما حجم اقتصادی‌ای که در ادوار مختلف در اختیار دولت‌ها قرار می‌گیرد، خیلی مهم است. ما در بهترین سال‌های قبل از انقلاب هیچ‌وقت بیشتر از ۲۵میلیارددلار درآمد نفتی نداشتیم که آن‌هم مربوط به سه‌سال آخر بوده است. بعد از انقلاب هم بالاترین درآمدهای نفتی ایران به حدود ۳۰میلیارددلار در سال رسیده است. هیچ‌گاه درآمدی معادل ۱۱۸میلیارددلاری را که در سال ۹۰ عاید ایران شد، شاهد نبوده‌ایم. طبق گزارش‌های بانک مرکزی، حجم فروش نفت‌خام در طول این هشت‌سال، معادل با تمام صدسال گذشته بوده است. شما این درآمد را تقسیم بر ۱۰۰ کرده و میزان فسادی که از آن ناحیه در اقتصاد دولتی ایجاد می‌شود را بررسی کنید. بنابراین ریشه اصلی فساد به حجم اقتصاد دولتی و منابعی که در اختیار دولت قرار می‌گیرد، برمی‌گردد. در هشت‌سال گذشته به دلیل اینکه دولتی کاردان و باتدبیر نبود و رفتار پوپولیستی داشت، همین روش‌های پوپولیستی عملا شرایطی را به وجود آورد که از این پول و سرمایه ملی امروزه چیزی دیده نمی‌شود. حتی قبل از اینکه همان دولت دوره‌اش تمام شود، یک تورم ۴۰درصدی شدید به وجود آمد، ارزش پول ملی به یک‌سوم کاهش پیدا کرد و حتی رشد اقتصادی ایران به بدترین شرایط ۵۰سال گذشته خود رسید، در حالی که اصلا نباید با چنین درآمدهایی؛ اقتصاد به چنین شرایطی می‌رسید! از این گزاره‌ها به این نتیجه می‌رسیم آن حجم گسترده اقتصاد دولتی و بی‌تدبیری دولتمردان بود که توانست رانت‌خوارهای بیشتری را به دور دولت جمع کند. من تصور می‌کنم اگر درآمدهای ملی را با مصوبه‌های مجلس در مورد اجازه برداشت از ارزهای نفتی مقایسه کنیم، مابه‌التفاوتی وجود دارد که ما بگوییم که چه اتفاقی برای آن رخ داده است. به‌هرحال درآمدهای کشور در اختیار خزانه قرار گرفته و اجازه برداشت از خزانه را هم فقط قانون داده است، اگر قوانین بودجه آن هشت‌سال را جمع کنند، درآمدها را هم جمع بزنند و ببینیم مابه‌التفاوت پول کجا رفته است؟

◣ یعنی فکر می‌کنید عامل نظارت اینجا ضعیف عمل کرده است؟

همه‌چیز دست‌به‌دست هم داده بودند.

◣ به‌دلیل اینکه قانون لازم را در این زمینه نداریم... .

ببینید، بحثی که در افکار عمومی این روزها سعی می‌شود جا بیفتد، مشکلی است که معاون‌اول دولت سابق داشته است. خیلی می‌پردازند به اینکه ایشان به فسادی که مرتکب شده، در چه تاریخی بوده است، آیا این فساد برای انتفاع شخصی بوده یا برای گروهی این کار را کرده است... اما اصلا نمی‌گویند چگونه ریشه‌های این شرایط به وجود آمده است، یعنی چگونه می‌شود کسی که در بالاترین مسوولیت نظارتی بودجه یعنی در راس دیوان محاسبات قرار گرفته، خود عامل چنین حرکتی می‌شود، این یک پارامتر است.

پارامتر دوم این است که ایشان در موقعیت و مقام رییس دیوان محاسبات، آیا عضو هیات‌رییسه مجلس بوده؟ آیا یک مقام سیاسی برجسته پارلمان بوده که بخواهد در شکل پارلمان یعنی در ایجاد یک فراکسیون قوی در پارلمان نقش داشته باشد؟ یا نبوده؟ اگر نبوده پس ایشان اصلا برای چه یک منابعی را ولو با فساد تهیه کرده و به دنبال این بوده است که مثلا یک تشکیلات قوی در پارلمان شکل بگیرد؟ آن‌هم از طریق ناسالم. بنابراین ایشان تنها نبوده، پس کسانی که با ایشان هماهنگ و دنبال ایجاد گروهی قوی برای خودشان در مجلس بودند، آنها امروز کجا هستند؟ آنها چرا مطرح نمی‌شوند؟ چرافقط به مساله گرفتن مقداری پول و توزیعش بین تعدادی نفرات توجه می‌کنند؟ و همه دنبال اسامی گیرندگان پول هستند! هیچ‌کس دنبال سرشاخه‌ها نیست!

◣ که تعداد زیادی هم است... .

اولا که از آن تعداد زیاد چه کسی خواسته؟ زمانی هست که این پول در اختیار یک حزب قرار می‌گیرد. حزب هم به دلیل گسترش و وسعت فعالیت‌های سیاسی‌اش در تمامی حوزه‌های انتخابیه کاندیدا داشته و قصد آن پیروزی کاندیداها در انتخابات بوده است. اما وقتی که در مجلس‌های هفتم، هشتم و نهم، هیچ‌حزبی به آن مفهوم که در رقابت نظام‌های پارلمانتاریستی مطرح است، وجود نداشته، پس توزیع این پول در چه راستایی بوده است؟ خب، معلوم است که این حرکت برای تامین منافع گروهی خاص صورت گرفته است. باید بررسی کرد که آن گروه خاص چه منافعی داشتند چرا که ایشان در واقع فقط یک مهره از آن گروه خاص محسوب می‌شود، وگرنه آقای رحیمی نه خودشان معاون پارلمان و نه رییس پارلمان ونه رییس فراکسیون بودند. پس چگونه است که ایشان بین ۱۷۰کاندیدا پول توزیع می‌کنند؟ اما کسی این موضوع را به نظر من اصلا موشکافی نمی‌کند. در واقع این بحث به انحراف کشیده شده است چرا که ما تنها این بحث را مطرح می‌کنیم که چرا ایشان این کار را کرده است؟ درصورتی که اول باید این بحث را مطرح کنیم که آن کسانی که می‌خواستند در پارلمان این نقش را داشته باشند و دنبال این بودند که ۱۷۰نماینده را به‌نوعی به خودشان وصل کنند، چه کسانی هستند؟ برای چه می‌خواستند این کار را بکنند؟ آن‌هم پارلمانی که اکثریت آن را اصولگرایان تشکیل می‌دادند و در اختیار گروه خاصی بوده، پای چه منفعتی در کار بوده است که می‌خواستند چنین کاری را بکنند!

بحث آقای رحیمی به انحراف کشیده شده است. ما تنها مطرح می‌کنیم که چرا ایشان این کار را کرده است؟ اما اول باید مشخص شود آن کسانی که می‌خواستند در پارلمان این نقش را داشته باشند و دنبال این بودند که ۱۷۰نماینده را به‌نوعی به خودشان وصل کنند، چه کسانی هستند؟ برای چه می‌خواستند این کار را بکنند؟ آن‌هم پارلمانی که اکثریت آن را اصولگرایان تشکیل می‌دادند

هم مجلس هفتم و هم مجلس هشتم اصولگرا بود. پس دراختیارداشتن این تعداد نماینده برای چه کسانی ایجاد منفعت می‌کرده است؟ اما امروز این موضوع مطرح نیست. یا حتی شما باید فراتر از این موضوع را هم ببینید. به‌هرحال در ابتدای دوره دوم آقای احمدی‌نژاد این موضوع مطرح شد که ایشان درگیر چنین فسادی بوده است. این موضوع در روزنامه‌ها هم منعکس شد و سخنگوی قوه‌قضاییه هم به‌نوعی آن را مطرح کرد. پس چطور است بازهم ایشان به عنوان مسوول ستاد مبارزه با فساد بودند؟! سران سه قوه که می‌دانستند بالاخره ایشان یک پرونده دارد؛ اصلا در آن پرونده هم هیچ جرمی نباشد و صرفا اتهام مطرح باشد همین که در افکار عمومی از آقای رحیمی به عنوان یک عامل مساله‌دار یاد می‌شود، چرا به این نکته توجه نمی‌شود؟ این رفتار نشان می‌دهد که در بالاترین سطوح به مسایل ملی چقدر توجه دارند؛ واقعا قبح این‌گونه مسایل از بین رفته است. یا شخص رییس‌جمهور وقتی که می‌دانسته چنین کسی دارای چنین پرونده‌ای است، چرا باید ایشان را معاون‌اول خود قرار دهد؟ او بایست بجای طرح خط قرمز کابینه است اجازه می‌داد پرونده رحیمی روشن شود! سوال مهم‌تر اینکه اصلا چرا شخص آقای رحیمی خود، این سمت را می‌پذیرد؟ همه اینها نشان می‌دهد این بحث اصلا بحث یک‌بعدی و یک‌نفره نیست.

◣ منظور شما دقیقا چیست؟ آیا این گروهی که بیان می‌کنید، به آقای احمدی‌نژاد و حلقه‌ای که نزدیک ایشان بوده، برمی‌گردد یا نه! مساله فراتر از آن حلقه و گروه آقای احمدی‌نژاد است؟

ببینید! مطمئنا مجلس هشتم برای دولت آقای احمدی‌نژاد آنقدر مهم بوده که عناصری در آن باشند که مورد تایید دولت باشند. همچنین برای کسانی هم که پارلمان را در دست داشتند، مهم بوده است که مجلس حامی کامل اعمال دولت باشد! اگر به هشت‌سال پیش (اوایل دوره آقای احمدی‌نژاد) بازگردیم، می‌بینید بین پارلمان و دولت هماهنگی کاملا نزدیکی وجود داشت. در هیچ‌دوره‌ای نمی‌بینید در طول یک‌سال بیش از پنج‌بار قانون بودجه اصلاح شده باشد. فقط بین مجلس اصولگرا و آقای احمدی‌نژاد این اتفاق افتاده است. پس هماهنگی کاملا تنگاتنگی بوده و این‌طور نبوده که ما بگوییم فقط یک‌گروه و یک‌حلقه محدودی بوده است. این حلقه خیلی بازتر از این است. آقای احمدی‌نژاد زمانی که مسوول می‌شود، قانون برنامه چهارم به وسیله مجلس هفتم تصویب شده بود و به دولت ابلاغ شد. قانون برنامه چهارم برای اینکه ذهن خوانندگانی که روزنامه را می‌خوانند روشن شود، تقریبا از معدود قوانین برنامه است که در انتهای آن هشت جدول دارد که آن هشت جدول، نحوه و میزان هزینه‌کردن، درآمد، میزان ارز مصرفی و همه اینها به عنوان پیوست‌های آن به تصویب رسیده بود. به این‌ترتیب معلوم بود دولت در سال چقدر اجازه دارد که از منابع نفتی برداشت و چقدر هزینه کند. خب! حالا امروز به مجلس هفتم و قانون بودجه آن سال‌ها برگردید، ببینید چقدر آن قانون بودجه که در قالب برنامه است، رعایت شده؟ به طوری که حجمی که رعایت نشده وحشتناک است، آن‌هم بدون اینکه اصلا برنامه اصلاح شود. در واقع زمانی که هیچ‌گونه نهاد سیاسی نیست که نظارتی داشته باشد و هیچ‌رسانه‌ای هم امکان این را ندارد که این مسایل را باز کند، چنین مسایلی رخ می‌دهد. ببینید، قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود اگر با قانون برنامه مغایر باشد، اجازه تصویب ندارند. یا باید قانون برنامه اصلاح شود یا قانونی که در حال تصویب است! اما قوانین بودجه‌ای که آن سال‌ها تصویب شده، هیچ‌کدام در قالب برنامه چهارم نیست و همه آنها خارج از برنامه است. اما هیچ‌کجا ایراد نگرفته‌اند.

پس اینکه شما سوال کردید که آیا محدود به گروه خاصی بوده؟ باید بگویم، خیر. سفره‌ای پهن بوده و در اختیار همه قرار گرفته است. منفعت همه این بوده که دست همه را باز نگه دارند. اگر به آرشیو روزنامه‌ها بازگردید، می‌بینید به‌کرار سر قانون بودجه سالانه، بحث می‌شود چرا که دولت حتی در ردیف‌های بودجه اختلال به وجود می‌آورد. اصلا تعداد ردیف‌ها را کاهش می‌دهد. با این حال به همان ردیف‌هایی که تغییر داده، پایبند نیست. اینها چه معنی‌ای می‌دهد؟ اگر صحبت‌های سال دوم شروع کار آقای احمدی‌نژاد را در گردهمایی مدیران دیوان محاسبات مرور کنید، می‌بینید آقای رییس دیوان محاسبات (رحیمی) چه می‌گویند! می‌گوید این دولت آنقدر پاک است که ما امسال اصلا گزارشی راجع‌به تخلف دولت ارایه نمی‌دهیم. اما رییس همان دیوان بعد از تغییر اعلام می‌کنند بیش از ۶۰درصد تخلفات اتفاق‌افتاده در قانون بودجه‌ای است که خود دولت متقاضی آن بوده است. این نشان می‌دهد که... .

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

شرق

● کروبی: اصلاح‌طلبان فعال نیستند
● توافق نهایی شیعیان بر سر نخست‌وزیر عراق: جعفری ماندنی شد
● انتشار فیلم بدرفتاری نظامیان انگلیسی با نوجوانان عراقی
● ۶۲۸میلیاردتومان تعهد دولت در سفرهای استانی رییس‌جمهوری
● سرچشمه‌های شناخت گوناگونند، گفت‌وگویی با پوپر
● سرمقاله مهران کرمی با عنوان پیروزی احزاب کوچک: «..رابطه جمهوری اسلامی با دولت جعفری در دوماه گذشته بیش از حدتصور رضایت‌بخش بوده و برعکس حمایت ضمنی آمریکا از انتخاب عادل عبدالمهدی و نارضایتی از عملکرد جعفری می‌تواند نشانه موفقیت ایران در این مرحله از بازی سیاسی عراق تلقی شود.»

کیهان

● پافشاری رییس مجلس بر افزایش بودجه بازنشستگان
● آغاز سفر دوره‌ای هیات حماس به چند کشور اسلامی
● سپاس از ملت، رهبر انقلاب: حماسه ۲۲بهمن اوج همت و هوشیاری بود
● اعتراض مسلمانان آمریکا و کانادا و اروپا افزایش یافت
● نامزد اسلامگرایان نخست‌وزیر عراق شد
● نگرانی بازرگانان آلمانی از عواقب تحریم ایران
● یادداشت روز، با عنوان «رنجی که نهاد قانونگذاری می‌برد»: «... در مجلس اصولگرا زمینه‌های رانت‌خواری و وام‌دارشدن نسبت به عناصر سودجو بسیار کم است یا چنانچه مواردی از این‌دست اثبات شود برخورد علنی و قاطع با نماینده متخلف یا اهمال‌کار صورت خواهد گرفت. مجلس هفتم دولت نهم براساس آرمان‌های صرفا اصولگرایانه تشکیل شد. مواردی از مجلس قبل سراغ داریم که به‌رغم مخالفت رییس و برخی نمایندگان قوانینی وضع یا اصلاح شد تا امکان رانت‌خواری یک گروه خاص فراهم شود...»

رسالت

● پیام قدردانی رهبر انقلاب از حضور حماسی ملت در راهپیمایی ۲۲بهمن
● سخنان رییس‌جمهوری حرف دل مردم بود
● بازتاب راهپیمایی کم‌نظیر در رسانه‌های جهان
● رییس‌مجلس: بودجه باید اطمینان‌بخش باشد
● رییس‌جمهوری در جلسه هیات دولت: قدرت‌نمایی ملت ایران در روز ۲۲بهمن باید سرعت خدمتگزاری مسوولان را بیشتر کند
● احمد توکلی: کاهش ۲۵درصدی اتکای بودجه به منابع نفتی یک تصمیم سرنوشت‌ساز است
● آصفی سخنگوی وزارت خارجه: نگران شورای امنیت نیستیم

ایران

● رییس مجلس در آغاز به کار کمیسیون تلفیق اعلام کرد: عزم مجلس برای افزایش حقوق بازنشستگان
● تقدیر رهبر انقلاب از شرکت مردم با همه گرایش‌های سیاسی در نمایش اقتدار ملی
● از سال آینده ۳۰هزارتومان یارانه ماهانه به هر ایرانی تعلق می‌گیرد
● مصوبه دولت برای حمایت از ساخت و عرضه مسکن اجاره‌ای ابلاغ شد

اعتماد ملی

● ناآرامی در حسینیه شریعت قم
● به‌گفته الهام هیات وزیران در ۱۷۰روز ۷۳۳ مصوبه داشته است
● کاهش مصارف ارزی بودجه ۸۵ توسط کمیسیون تلفیق
● سردار کارگر در شرح آخرین وضعیت معافیت سربازی: افزایش آمار جعل کارت‌های پایان خدمت
● آغاز غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات نطنز

خبر

مصلحی: امام حسن(ع) از کلمه صلح با معاویه استفاده نمی‌کند

● **ایسنا:** وزیر اطلاعات دولت‌دهم گفت: امام‌حسن(ع) از کلمه صلح با معاویه استفاده نمی‌کند، چراکه خودشان اذعان داشته‌اند که معاویه را رها کرده‌اند. مصلحی با طرح این سوال که «بنی‌امیه انقلاب کیست؟»، افزود: آیا می‌توان از بنی‌امیه انقلاب گذشت؟ همان‌هایی که در خیلی از مواقع در انقلاب نقش مثبت داشتند اما اکنون در آمریکا و اروپا به‌دنبال حرکت‌هایی هستند. او ادامه داد: بنی‌امیه انقلاب در ۱۷محور، انقلاب‌اسلامی را مورد هجمه قرار داده‌اند.